



مترجم:

Lan Neji

ادیتور:

Sg~

کاری از تیم آپریس سکای



IRISEKAI



T.me/IriSekai



instagram.com/IriSekai







روز مهمونی
کنت ارلو.

اوه اینجارو،
سلام عزیز دلم...
فرزنا جونم
که اینجایی..

سلام...

لبخند تجاری.

فرزیا، تو جشن
شرکت کن و به بانو
فلوین نزدیک شو.

اگه مشکلی
پیش اومد کمکش
کن.

البته که چون
یه سودی برام داره،
میخوام کمکش کنی.

محض احتیاط،
خودمم اون دوروبرا
هستم و از دور ننگا
میکم.

همنطور که
انتظار میرفت، رزای کنت
آرلو واقعا خوشگلن..

درسته...

که فقط اومدی
رزا رو ببینی؟ پگو
مرد کن؟

یه لحظه نگاشون
کن تورو قدارن.

هنوز نیومده
مگه نه؟

نه هنوز.

دارم از فضولی
میمیرم که بفهم
همراهش کیه.

بهم نگو همون
مردیه که تو شایعه
هاس...؟

با یکی از
فامیلاش مٹ لرد
جیرالدین..

یا تنها
نمیاد...؟

از وقتی که با
لرد میکائیل بهم زده
وقت زیادی نمیگذره
مگه نه؟

اگه با یه مرد
دیگه بیاد، کلی راجیش
حرف در میارن... به
نظرتون اینجوری یه
تصمیم عاقلانه
نمیگیره؟

اوههههه،
راس میکیا!!!

پاٹو فلوین،
تلپاتی ذهنیمو داری
دیگه خواهر؟

ولی اگه
با ادمایی که بانو
فرزیا گفته
بیاد...

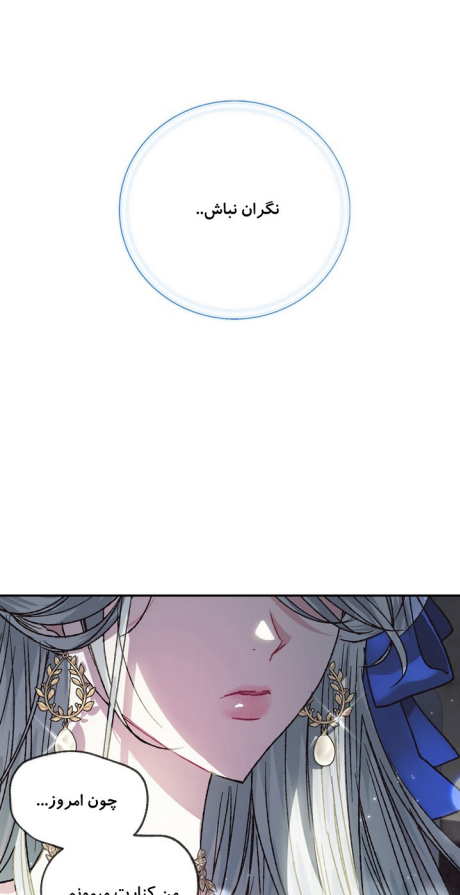
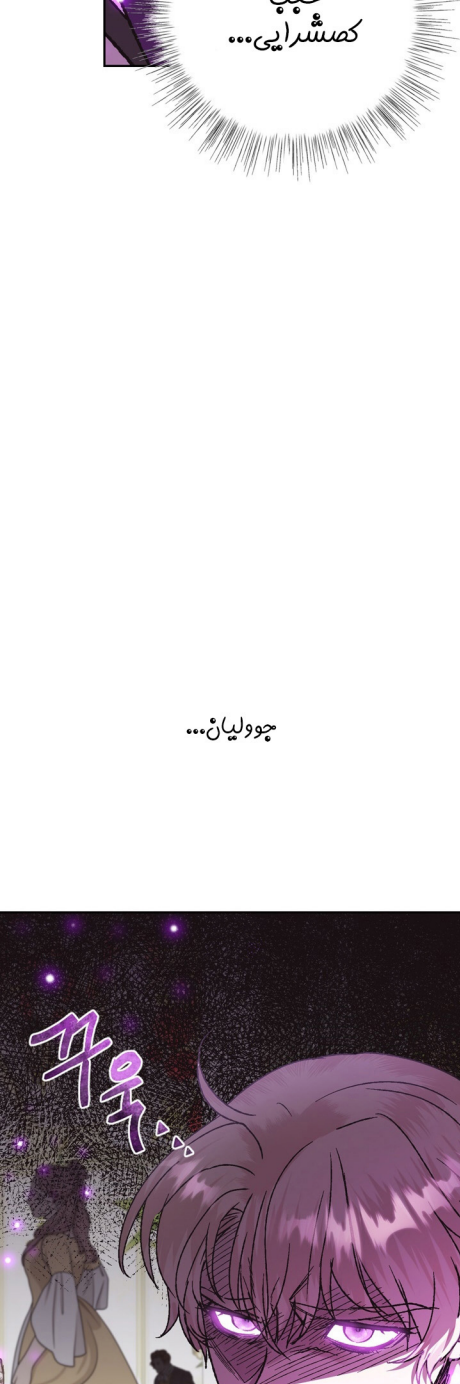
شایعه هایی
که راجیش درومده
همینجوری مرموز
میمونه.

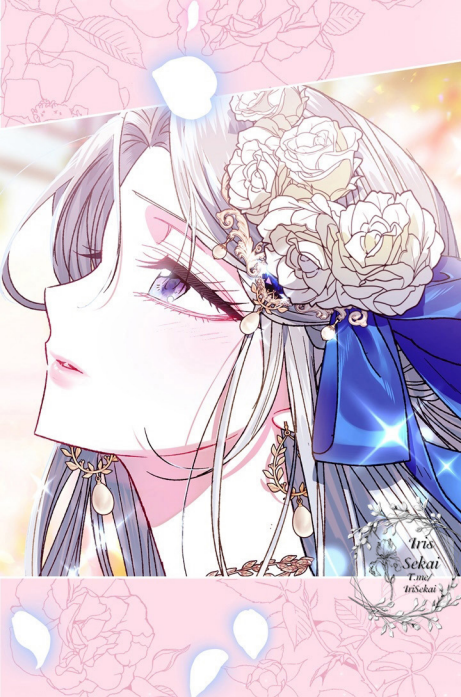
عه واقعا؟ اونوقت نباید دنبال
کسی که اون دگمه های سر
آستینو پوشیده بگردین؟

اوه احتمالاً
رئیس من اولیش
کنسیه که میخواند
پفهمه، مگه نه؟

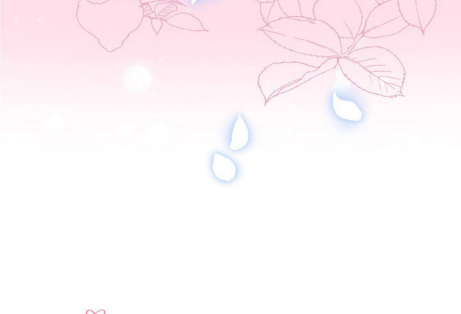
وایی، بانو
فرزیا.

سرورم، میباید حقدرد
دارم زحمت میکشم خداییش!!





iris
Sekai
T.me/
irisSekai



چی؟
دوک اومده
به جشن؟



پشمامم!!!
خدای من!!!

همراهش
دوکه...



iris
Sekai
T.me/
irisSekai

لطفا همگی
ساکت باشید.



아빠,
나 이 결혼
안 할래요!

다음 화에 계속



از شما برای خوندن کامون
ممنونیم لطفا **کپی نکنین** و
بدون **ذکر منبع** کار مارو جایی نذارین.
شما میتونین با جوین شدن تو چنل
تگراممون از ما **حمایت کنین** و کارهای
جذاب دیکمون رو هم بخونین.